

اراده کنیم بتوانیم آن را بخوانیم. شاید بتوان برخی از اطلاعات خود را با اعتراف داوطلبانه، با شکنجه یا با زور و مانند آن هویدا کرد اما همه اطلاعات را به طور کامل نمی‌توان به دست آورد. به همین دلیل «خود» انسان را می‌توان حریمی نفوذناپذیر نامید.

از سویی دیگر، به هیچ ترتیبی دست کم در حال حاضر نمی‌توان کلیه اطلاعات فردی را بازیابی و در جایی دیگر یا شخصی دیگر ذخیره کرد و «نسخه دومی» از آن فرد ساخت. در حالی که کل اطلاعات هر کامپیوتری را می‌توان بازیابی و در جایی دیگر ذخیره کرد _ دست کم در حال حاضر چنین است، چون تا به حال حافظه‌ای ساخته نشده است که محتویات آن را نتوان خواند. بنا بر این، از مشخصه‌های دیگر «خود» آدمی عدم امکان نسخه‌برداری و کپی از «خود» است.

و آخرین نکته، این که اطلاعات مختلف خود انسان را نمی‌توان به طور فیزیکی و مثلاً با استفاده از یک دستگاه تغییردهنده «خود» به یک‌باره تغییر داد. به عنوان مثال، «خود» کسی را که تمایلات دزدی، خشونت، و مانند آن را دارد با هیچ دستگاهی نمی‌توان تغییر داد تا به یک‌باره این تمایلات در او از بین برود. اما اطلاعات کامپیوتر را در هر زمانی که اراده کنیم می‌توانیم تغییر بدهیم. به فرض اگر کامپیوتری هوشمند شد و توان یادگیری پیدا کرد و دزدی را یاد گرفت می‌توانیم با تغییر دادن بخش‌هایی از اطلاعات کامپیوتر از دزدی کردن آن جلوگیری کنیم.

شاید مخالفان این نظریه استدلال کنند که ممکن است روزی با پیشرفت علوم، اطلاعات «خود» انسان را نیز بتوان ذخیره و بازیابی کرد و در این صورت استدلال بالا پذیرفته نخواهد بود. پاسخ این است که اگر زمانی چنین اتفاقی روی بدهد دیگر «خود» در انسان وجود نخواهد داشت و انسان در آن هنگام مانند ماشین خواهد بود. نفوذناپذیر بودن حریم «خود» انسان‌هاست که انسانیت را به انسان می‌بخشد.

کامپیوتر از «خود» بی بهره است و همواره می‌توان اطلاعات آن را بازیابی کرد یا تغییر داد یا در جایی دیگر ذخیره کرد. از همین روی، سرنوشت کامپیوتر _ هر چقدر هوشمند هم که باشد _ به دست انسان است. کامپیوتر فقط ابزاری است در دست انسان، نه رقیبی برای انسان. □

«خود»

چیست؟

□ علیرضا محمدی

○ تجدید چاپ مقاله منتشر شده در شماره ۲۰ و ۱۹ ماهنامه ریزپردازنده (فروردین ۱۳۷۲)

ماروین مینسکی معتقد است که «خود» و «خودآگاهی» وجود ندارد و فقط از آن روی که نظریه «خود» می‌تواند در جامعه سودمند باشد آن را می‌پذیرد. ما نیز در اینجا بحثی از وجود یا عدم وجود «خود» نمی‌کنیم، و تماماً مانند مینسکی وجود آن را به طور فرضی می‌پذیریم. مینسکی با آن که نظریه «خود» را می‌پذیرد تعریف جامعی از آن ارائه نداده است. ما برای تعریف «خود» از روشی که خود مینسکی برای تعریف هر چیزی صادق می‌داند استفاده می‌کنیم: «شبکه معنایی». در اینجا برخی از معانی «خود» را _ که در شبکه معنایی «خود» جای می‌گیرد- مورد بحث قرار خواهیم داد.

انسان از بدو تولد تا دم مرگ تجربیات، نظرات، عقاید، مشاهدات، خلق و خوی و مانند آنها را - که در اینجا همگی آنها را به اختصار «اطلاعات» می‌نامیم _ برای خود کسب می‌کند. مجموعه اطلاعات اکتسابی هر فرد متعلق به همان فرد است. بسیاری از آن اطلاعات را شاید کسان دیگر نیز کسب کرده باشند، اما بسیاری از اطلاعات می‌تواند به طور اختصاصی کسب شده باشد و دیگران از آن بی‌بهره باشند.

اطلاعات هر شخص در «خود» همان شخص است و چنین «خودی» است که هر انسانی را از دیگری متمایز می‌کند. از همین روی، یکی از مشخصه‌های «خود» را می‌توان در متمایز کردن انسان‌ها از یکدیگر دانست. نکته دیگر آن که، اطلاعات واقع در «خود» را با هیچ وسیله و دستگاهی نمی‌توان بازیابی کرد، یعنی اطلاعات واقع در «خود» مانند اطلاعات واقع در حافظه کامپیوترها نیست که هر وقت